

پیام سومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

ببند، شمشیر شرارت و جنایت را از رو بسته و چنگ و دندان نفرت انگیز خود را در هیئت «سربازان گمنام» و سایر عمده های ارتجاع و خشونت نشان می دهد.

ایجاد جو رعب و وحشت و ترور، رجز خوانی های انواع و اقسام «امام جمعه های موقت»، که موقتی بودن حکومت شان را به عیان می بینند، حمله و هجوم وحشیانه به مطبوعات و روزنامه های اصلاح طلب مدافع جبهه دوم خرداد، به غل و زنجیر کشیدن مخالفان و پر کردن زندان ها از کسانی که زبان به

ادامه در صفحه ۴

هم میهنان مبارز، مردم آزاده ایران،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرشورترین درودهای خود را به شما، که قلب تپنده دگرگونی و تغییر و تحول در پهنه سرزمین استبداد زده ایرانید تقدیم می کند. مبارزه هوشیارانه، و شیوه های بدیع پیکارتان با اهریمن ارتجاع، در چارچوب امکانات موجود، که هر روز دامنه اش را می گستراند، در خور ستایش و پیگیری دلاورانه تان برای دستیابی به آزادی، شایسته تحسین و تقدیر است. میهن ما امروز یکی از دشوارترین دوره های تاریخی خود را از سر می گذراند. رژیم جهل پرور «ولایت فقیه»، زخم خورده از مبارزات قهرمانانه شما، که هر روز عرصه را بر خود تنگ تر می



شماره ۵۸۴، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۰ خرداد ۱۳۷۹

**ویژه نامه بزرگداشت شهدای توده ای
در همین شماره «نامه مردم» منتشر**

انسان، تاریخ، انسان!

یادواره ای در بزرگداشت اسطوره های استقامت و پایداری
اسامی شهدای حزب توده ایران از یورش وحشیانه
۱۳۶۱ جمهوری اسلامی - بهمن

مجلس ششم، و انتظارات بیش از ۲۷ میلیون رأی دهنده

استصوابی مستی جاهل و مرتجع به نام «شورای نگهبان» برگزار می شد، ولی با وجود این میلیون ها ایرانی از روزنه ایجاد شده استفاده کردند و با نفی نامزدهای مدافع «ذوب در ولایت» و «هرچه بیشتر اسلامی کردن» کشور، یک بار دیگر اراده قاطع خود را بر ادامه روند تدریجی، و بسیار کند اصلاحات اعلام کردند. شکست بی سابقه و مفتضحانه نامزدهایی که نامه های تأییدیه از مقام «ولایت» را در جیب داشتند، به طوری که حتی یک نفر از آنان در تهران نتوانست به حد نصاب ۲۵ درصد از آراء برسد، نشانگر عمق انزجار و تفرق مردم از حاکمیت بود که سال های طولانی قدرت سیاسی را در انحصار خود نگاه داشته و هنوز نیز اهرم های اساسی قدرت را در اختیار دارد. رأی بیش از ۲۷ میلیون ایرانی، در انتخابات ۲۹ بهمن، همچون انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، رأی اعتراضی بر ضد نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد، و به نفع حرکت به سمت تغییرات بنیادین در حیات سیاسی کشور بود. ما معتقدیم که مردم آگاه و هوشیار میهن ما در این رأی گیری به روشنی خواست های سیاسی خود را بیان کردند. شکست سنگین هاشمی رفسنجانی، که تلاش می کرد خود را «مرد میانه رو» و فرا جناحی رژیم معرفی کند

پس از هفته ها تنش، و تلاش نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد برای تغییر آرای مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی، باطل کردن صدها هزار رأی شهروندان برای جابه جایی نمایندگان و حذف نامزدهای جبهه دوم خرداد و بالا کشاندن نامزدهای ورشکسته جناح «ولی فقیه» و انصارش، مجلس ششم، روز شنبه ۷ خرداد ماه، نخستین نشست رسمی خود را برگزار کرد. در جریان افتتاح مجلس، سید محمد خاتمی از انتظارات مردم از مجلس، سخن گفت، و اظهار امیدواری کرد، که مجلس ششم بتواند در راه تحکیم قانون مداری و خواست های مردم قوانین کارایی را تنظیم و تصویب کند. خاتمی در سخنان خود، همچنین تأکید کرد که، مجلس حق تفحص و رسیدگی به همه امور را دارد. در مقابل این سخنان، سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم، با ارسال پیامی اظهار امیدواری کرد که، مجلس ششم همچون ادوار گذشته در راه حفظ «نظام» و «اسلامیت» گام برداشته و امید های واهی دشمنان را نقش بر آب کند.

انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، بی شک مرحله مهمی در مبارزه مردم بر ضد رژیم استبدادی حاکم بود. اگرچه انتخابات مجلس ششم نیز، همچون سایر انتخابات رژیم «ولایت فقیه» در شرایط کاملاً غیر دموکراتیک و زیر نظارت

ادامه در صفحه ۶

**قطعه نامه سومین پلنوم (وسیع) کمیته
مرکزی حزب توده ایران**
در صفحات ۳ و ۸

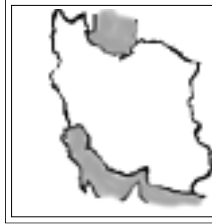
در این شماره

رفسنجانی مفتضح و شکست خورده استعفاء کرد
در صفحه ۲
هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران
در کنگره حزب کمونیست دانمارک ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بررسی رویدادها ی ایران



هاشمی رفسنجانی مفتضح و شکست خورده استعفاء کرد

پس از هفته های تلاش شورای نگهبان ارتجاع برای تحمیل کردن هاشمی رفسنجانی به مجلس ششم، و ابطال بیش از ۷۰۰ هزار رأی مردم تهران برای جابجایی رفسنجانی از مقام یک نامزد شکست خورده به مقام نماینده بیستم تهران و در پی بالا گرفتن اعتراض های وسیع مردمی و نیروهای سیاسی مختلف، سرانجام رفسنجانی وادار به اعلام انصراف از نمایندگی مجلس شد. در نامه ای که از سوی او به خبرگزاری جمهوری اسلامی فرستاده شد از جمله آمده است: «اینجانب بر خلاف تصمیم قبلی و تمایل شخصی و قلبیم، حسب وظیفه شرعی و رسالتی انقلابی و میهنی در پی اصرار و تأکید چهره های محترم و شخصیت های صاحب نظر نظام، در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نمودم، اما حجم سنگینی از تبلیغات منفی و خلاف، پیش از برگزاری انتخابات و در دوره تبلیغات و به هنگام رأی گیری و شمارش آراء بر صحنه میدان رقابت های انتخاباتی عارض گشت و حتی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ستمپاشی هایی علیه اصل نظام و دست آوردهای انقلاب و دفاع مقدس و سازندگی نمودند و در جریان انتخابات و حتی پس از اعلام نتایج، فضای شبهه ناک و ابهام آلودی به وجود آمد... اکنون با توجه به شرایط جاری، انجام وظیفه به صورت مطلوب و تلاش برای وفاق ملی و تقویت سازندگی که از اهداف مهم و عمده حضورم در صحنه بود را، حداقل مشکل می بینم. با کسب اجازه و عذر خواهی از مردم شریف و موکلان عزیز تهرانی، از سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی، اعلام انصراف می نمایم...» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، پنجم خرداد ۱۳۷۹).

استعفاء رفسنجانی از مجلس را باید یک پیروزی دیگر برای افکار عمومی و شکست سنگین دیگری برای نیروهای ارتجاعی ارزیابی کرد. اهمیت حضور رفسنجانی در مجلس، برای اداره آن به شکلی که مرجعان و مدافعان استبداد خواهان آن بودند، آنچنان بود که شورای نگهبان به مدت ۹۰ روز از اعلام و تأیید انتخابات تهران طفره رفت و سرانجام نیز برای گنجاندن رفسنجانی در لیست نامزدهای انتخاب شده بیش از ۵۲۰ صندوق رأی گیری و ۷۰۰ هزار رأی

شهروندان تهرانی را ابطال کرد. عملکردخلاف اخلاق و قانون شورای نگهبان در سازمان دهی این تقلب آشکار آن چنان افکار عمومی و نیروهای سیاسی را تحریک کرد که به بی اعتباری بیش از پیش رفسنجانی به عنوان یکی از کارگزاران اصلی ارتجاع منجر شد. شکست سنگین و مفتضحانه رفسنجانی، به عنوان «استوانه» ارتجاع، «یار ولی فقیه» و «سردار سازندگی» در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ماه، از جمله دست آوردهای مهم این انتخابات برای جنبش مردمی بود.

نامه حجاریان درباره دادگاه مسخره متهمان به ترور او

به گزارش روزنامه «بهار»، چهارشنبه ۴ خرداد ماه، سعید حجاریان، نایب رئیس شورای شهر تهران، با ارسال نامه ای به رئیس شورای امنیت کشور، موسوی لاری، بشدت به روند برگزاری دادگاه متهمان ترور اعتراض کرد. حجاریان در نامه خود از جمله اشاره کرد که: «اگر چه توسل به حربه خشونت سال هایی است که در عرصه فعالیت سیاسی و اجتماعی کشور به صورت های مختلف رواج یافته و نیز ترویج شده، اما تاکنون چنان که لازم است مورد توجه قرار نگرفته است. خشونت سیاسی که مدت ها در سطح حمله به سخنرانی ها و جلسات رسمی و سینماها و دفاتر نشریات و ناشران و عابران خیابان تجلی می یافت و البته در تمام این سال ها با چشم پوشی و اغماض های مسئولان ذی ربط حکومتی مواجه شد اینک به سطح استفاده از ترور و ارهاب ارتقاء یافته است...»

حجاریان سپس در رد دادگاه مسخره متهمان اضافه می کند: «در جریان محاکمه تروریست ها تلاشی برای تعمیق تحقیقات و کشف علل و عوامل اصلی عملیات تروریستی آنان به عمل نیامد و به رغم تأکید رئیس جمهوری محترم مبنی بر اینکه در این پرونده دقت فدای سرعت نشود دادگاه در نهایت فشردگی و اختصار به صورت سطحی برگزار شد. جالب توجه آن که دادگاهی که به محاکمه ۷ نفر به اتهام سنگین محاربه و اقدام علیه امنیت ملی اختصاص داشت فقط سه جلسه (در حدود ۱۰ ساعت) به طول انجامید... در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق و محاکمه توسط دستگاه قضایی، برای کشف تمام حقایق مربوط به برنامه ریزی ترور و ارهاب اقدام مؤثری به عمل نیامد و گویی اراده ای برای پرده برداشتن از واقعیات مکتوم وجود نداشت...»

حجاریان سپس در نتیجه گیری نامه خود اضافه می کند: «بستن پرونده ترور، اگرچه تکلیف چند جوان مجرم را برای مدتی مشخص می کند ولی بدون ورود به حوزه موضوعات مهمی از قبیل آبران واقعه و تشویق کنندگان تروریست ها و پیگیران خط ترور و ارهاب، مهم ترین مسایل مربوط به این پدیده شوم و ویرانگر را بدون پاسخ گذاشت.»

مرز خودی و غیر خودی از دیدگاه محمد رضا خاتمی

محمد رضا خاتمی، نماینده اول تهران، در سخنرانی که در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد کرد، در پاسخ به سئوالی پیرامون نیروهای «خودی و غیر خودی» گفت: «همه از نظر من خودی هستند تا زمانی که جرمی مرتکب نشده اند و محروم نشده باشند.» وی در پاسخ به سئوالات دیگر در مورد ریاست مجلس ششم و جریان کنفرانس برلین افزود: «کسی که در فهرست ما نبوده جنبه مشارکت به عنوان رئیس مجلس به آن رأی نخواهد داد. جنبه مشارکت کاندیدای اختصاصی خواهد داشت و تلاش خواهد کرد که رئیس مجلس از بین نیروهای دوم خرداد باشد.»

وی درباره کنفرانس برلین ضمن انتقاد شدید از صدا و سیما گفت: «دوستان جنبه دوم خرداد هر گونه گفت و گو و مصاحبه با صدا و سیما را رد می کنند و صدا و سیما را تحریم کرده اند.»

رایزنی ها برای انتخاب هیئت رئیسه مجلس ششم

به گزارش روزنامه همشهری، دوشنبه ۹ خرداد ماه، رایزنی ها فشرده ای برای تعیین هیئت رئیسه مجلس بین فراقسیون های

مختلف مجلس خصوصاً نیروهای مدافع جنبه دوم خرداد در جریان است.

بر اساس همین گزارش و به گفته عطریان فر، ریاست کروی قطع شده است و اکنون بیشتر رایزنی ها بر سر تعیین نواب رئیس مجلس است. همشهری می افزاید که بهزاد نبوی و محمد رضا خاتمی نامزدهای احتمالی اشغال پست نایب رئیس مجلس هستند. بر اساس گزارش های دیگری جنبه مشارکت و برخی از نمایندگان جنبه دوم خرداد معتقد بوده و هستند که میردامادی نامزد مناسب تری برای ریاست مجلس است و ضروری نیست که رئیس مجلس حتماً یک روحانی باشد. بر اساس همین گزارش ها مجمع روحانیون مبارز معتقد است که مجید انصاری و بهزاد نبوی نامزدهای مناسب برای نایب رئیسی مجلس هستند.

لازم به تذکر است که کروی در جریان انتخابات تهران رأی نسبتاً پایینی را کسب کرد و به زحمت توانست به مجلس راه یابد. کروی به عنوان دبیر مجمع روحانیون مبارز و سابقه ای که در رژیم دارد فرد مورد اعتماد تری از دیگران برای اداره مجلس به حساب می آید و بر اساس گزارش های غیر رسمی خامنه ای نیز با توجه به حذف رفسنجانی و نبود نامزد مشخصی از سوی جناح راست که شانس پیروزی داشته باشد تمایل خود را به انتخاب کروی به عنوان رئیس مجلس اعلام کرده است.

ناطق نوری مشاور «رهبر»

با پایان یافتن دوره پنجم مجلس و بر اساس حکمی ناطق نوری، رئیس سابق مجلس و از چهره های سرشناس ارتجاع و استبداد به سمت مشاور «رهبری» و عضو «مجمع تشخیص مصلحت نظام» منصوب گردید. لازم به تذکر است که ناطق نوری در جریان انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، به عنوان نامزد رژیم «ولایت فقیه» و شخص مورد اعتماد و تمایل خامنه ای در انتخابات شرکت کرد و بررغم تبلیغات شبانه روزی صدا و سیما و فریاد های «وا اسلاما» کسانی همچون مهدوی کنی و مصباح یزدی و تلاش های شورای نگهبان و سایر ارگان های ارتجاع شکست سنگینی را در انتخابات متحمل شد. ناظران سیاسی معتقدند در صورتی که ناطق نوری همچون دوره پنجم انتخابات به عنوان یکی از نامزدهای انتخاباتی در تهران شرکت کرده بود با شکست سنگینی روبه رو می شد و به همین دلیل از شرکت در انتخابات خودداری کرد.

قطعنامه سومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

ناپیگیری در ایجاد تحول در شیوه حکومت مداری ایران و حرکت از دیکتاتوری به سمت حکومت مردمی باید دانست. نیروهای سیاسی شرکت کننده در این جبهه، خصوصاً آن بخش از آنها که اعتقاد عمیقی به حفظ «نظام اسلامی» دارند، از شرکت فعال توده ها در مقابله با رژیم، شدیداً در هراسند، و آماده نیستند که از عامل توده ها، در مقابله با ارتجاع، فعالانه و بطور مستقیم استفاده کنند. به عنوان نمونه، پس از ترور حجاریان، بررغم برخی پیشنهادات پیرامون برگزاری حرکت های اعتراضی، این جبهه در این زمینه نتوانست کار موثری را سازمان دهد. به گمان ما، ضعف اساسی در این زمینه، به دلیل ترلز، ناپیگیری، و مامشات بخش مهمی از رهبری این جبهه، از جمله شخص آقای خاتمی، با رژیم «ولایت فقیه» و تلاش در حفظ «نظام کنونی» خلاصه می شود. ولی واقعیت روز این است که، جنبش و ائتلاف گرد آمده خیلی سریع تر از رهبری آن به سمت رادیکالیزه شدن و طرح شعارهای دقیق و خواست های بنیادین در زمینه ایجاد تغییرات در اهرم های اساسی قدرت و شیوه حکومت مداری، حرکت می کند، ما همچنان اعتقاد داریم که، ادامه رژیم «ولایت فقیه»، یعنی ادامه رژیم استبدادی متکی بر دیکتاتوری فردی، مهمترین سد راه تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در میهن ماست. امروز این باور، نه تنها از سوی حزب توده ایران، بلکه از سوی طیف وسیعی از نیروهای مردمی، مذهبی و غیر مذهبی طرح می شود، و براساسی مورد تأیید بخش های وسیعی از مردم جامعه ماست. هراس سران رژیم «ولایت فقیه» نیز از طرح همین مسئله است. تهدید دگراندیشان مذهبی به نابودی فیزیکی، به زندان انداختن دگراندیشانی همچون دکتر کدیور و عبدالله نوری، و تأکید روز مراه سران ارتجاع پیرامون ضرورت به کارگیری همه امکانات برای حراست از «ولایت» به عنوان ستون اساسی «نظام»، نیز از همین هراس و واقعیت سرچشمه می گیرد. ما معتقدیم که، هنوز باید با ادامه کار روشنگرانه و افشاگرانه شعار طرد رژیم «ولایت فقیه» را، به شکل وسیع تری، در جامعه طرح کرد، و آن را به خواست اساسی و سراسری جنبش مردمی، در وضعیت کنونی، تبدیل کرد.

تحولات میهن ما، روند پرشتابی را می پیماید، و از این رو ضروری است که حزب، با طرح شعارهای دقیق، تمام توان و امکان خود را برای پیش بردن امر مبارزه به کار گیرد. هیئت سیاسی حزب، با توجه به تحلیل مختصری که در بالا پیرامون مهمترین مسایل کشور مطرح کرد، برنامه عمل کوتاه زیر را، برای فعالیت حزب در شرایط کنونی، پیشنهاد می کند. این برنامه عمل، در راستای خطوط استراتژیک طرح شده در برنامه مصوب کنگره چهارم حزب، و با در نظر گرفتن اوضاع بشدت متغیر و بحرانی ایران، برای ارتقاء نقش و فعالیت حزب در جنبش پیشنهاد می شود:

۱. تشدید مبارزه در راه آزادی کلیه زندانیان سیاسی رژیم «ولایت فقیه»، و لغو احکام جابرانه دادگاه های انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت، از طریق طرح این شعار در جنبش، و سازمان دهی حرکت های اعتراضی توده ای؛
۲. تلاش در راه همکاری نزدیک تر با نیروهای مدافع آزادی و مخالف استبداد، انحصار و ارتجاع. دفاع از آزادی مطبوعات، و مقابله فعال با تلاش های نیروهای ارتجاعی در محدود کردن بیش از پیش حقوق مطبوعات؛
۳. تلاش گسترده برای ارتقاء جنبش کارگری و زحمتکشان، از طریق تلاش برای ایجاد سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری. حزب ما همچنین از همه ابتکارات برای ایجاد نشریات مستقل و مترقی کارگری، در همکاری با سایر نیروهای آزادی خواه فعالانه دفاع می کند؛
۴. تلاش در راه ارتقاء جنبش مستقل زنان، و ایجاد تشکل های صنفی در راستای تحقق حقوق زنان میهن، و بر ضد لواط و قوانین ارتجاعی که از سوی نهادهای گوناگون رژیم «ولایت فقیه» به تصویب رسیده اند؛
۵. دفاع از جنبش رزمنده و وسیع دانشجویی و همکاری فعال با آن. تلاش در گسترش تأثیر معنوی نیروهای مترقی و آزادی خواه در بین جوانان و

• خیزش مردمی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و شکست سنگین و خفت بار نامزد «ولی فقیه»، و اکثریت روحانیت حاکم، در جریان انتخابات ریاست جمهوری، نقطه عطفی در مبارزه مردم بر ضد استبداد و ارتجاع حاکم بر میهن ما بود، که از زوایای گوناگون و متفاوتی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. بر خلاف برخی تحلیل های رایج، و گاه سطحی، دوم خرداد محصول یک حادثه و یا تصادف، و به دلیل به صحنه آمدن سید محمد خاتمی، به عنوان نامزد ریاست جمهوری، نبود و نمی توانست باشد. حزب ما، جنبش دوم خرداد را یک جنبش مردمی برای انجام تغییرات بنیادین در ایران ارزیابی کرده و می کند، و از این رو، ریشه های آن را در مبارزات یک دهه جنبش و سرکوب خوین آن توسط رژیم «ولایت فقیه» می بیند.

• در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، حزب ما، از یک سو شاهد آن بود که نیروی عظیمی از توده ها به عرصه مبارزه کشیده شده اند، و از سوی دیگر ضعف های جنبش، خصوصاً رهبری آن را می دید، و با توجه به تجربیات گذشته، نمی توانست نگرانی های خود را نسبت به عاقبت کار پنهان کند. حزب ما، در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، ضمن افشای روشن و قاطع ناطق نوری، به عنوان نماینده واپس گرایی و جناح انحصارگرا، همچنین نمی توانست با نظر آقای خاتمی پیرامون امکان تحقق آزادی و جامعه مدنی در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» موافقت کند. سیاست حزب ما در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را می توان در چارچوب تشویق مردم به نفی نامزد مورد تأیید ارتجاع و جناح انحصارگرا خلاصه کرد. تجربه سه سال گذشته در این زمینه، معیار جالبی برای ارزیابی بدست می دهد. سه سال گذشته نشان داده است که، بر خلاف تصور خاتمی، رژیم «ولایت فقیه» حاضر نیست به هیچ وجه اجازه دهد تا یک حکومت متکی بر آراء مردم در ایران استقرار پیدا کند، و به حقوق قانونی مردم احترام گذاشته شود. حوادث سه سال گذشته، درستی ارزیابی و نگرانی های جدی حزب ما را بر رغم خوش بینی های نادرست آقای خاتمی و هواداران او، به اثبات رسانده است. قتل های زنجیره ای دگراندیشان توسط وزارت اطلاعاتی که قاعدتاً می بایست زیر نظر دولت هدایت بشود، یورش به همایش های مختلف دانشجویی، سرکوب خوین و وحشیانه جنبش دانشجویی ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، بستن نزدیک به ۷۴ نشریه تنها در سال گذشته، و یورش هفته های اخیر و بستن ۱۶ نشریه اصلاح طلب، و دستگیری شماری از روزنامه نگاران دگراندیش، در کنار به محاکمه کشاندن دگراندیشانی همچون دکتر کدیور و عبدالله نوری توسط دادگاه ویژه روحانیت، یعنی دادگاهی که مستقیماً زیر نظر «ولی فقیه» عمل می کند، نشان داد که رژیم «ولایت فقیه» هرگونه اصلاح و رفرمی در شیوه اداره جامعه را برای خود سمی مهلک می داند و آماده است با استفاده از همه ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارد، با آن به مقابله برخیزد. ترور سعید حجاریان، مشاور رئیس جمهوری و از کادرهای فعال و برجسته جبهه ائتلافی دوم خرداد، نشان داد که برای مرتجعان حاکم هر عمل و جنایتی برای «حفظ نظام» استبدادی و ضد مردمی، قابل توجیه و دفاع است.

• بر خلاف برخی از تحلیل ها و نظرات ارائه شده از سوی شماری از نیروهای اپوزیسیون رژیم، که تمام توجه و تأکید خود را متوجه نیروهای سیاسی شرکت کننده در جبهه ائتلاف دوم خرداد می کنند، حزب ما نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش، یعنی کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، زنان، روشنفکران مترقی، هنرمندان و نویسندگان را نیروی اساسی محرکه اصلاحات و مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما می داند. در این طیف وسیع نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش، سه بخش اساسی جنبش کارگری، دانشجویی - جوانان و زنان نقش ویژه بی را ایفاء می کنند.

• جبهه ائتلافی دوم خرداد، جبهه بی است که، در سه سال گذشته، کم کم به شکل یک تشکل، شامل بیش از ۱۸ سازمان سیاسی - اجتماعی، حول دفاع از دولت خاتمی و مقابله با نیروهای انحصارگرا و مدافع استبداد و خشونت، شکل گرفته، و در روند رویدادهای ایران نقش و تأثیر خاص خود را دارد. عمده ترین ضعف این ائتلاف را وجود مرزهای «خودی - و غیر خودی»، و ترلز و

ادامه پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب ...

اعتراض و انتقاد می‌کشیدند، زمینه ساز کودتای خزنده ای است که قصد دارد، با دست زدن به هر جنایتی، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند.

کارگران و زحمتکشان مبارز میهن،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، دروهای گرم خود را به شما، مبارزان راستین راه آزادی و عدالت اجتماعی تقدیم می‌کند و اعتقاد عمیق دارد که، جنبش آگاه و رزمنده طبقه کارگر میهن ما خواهد توانست دگر باره نقش تاریخی و اساسی خود را در جنبش آزادی خواهی میهن ما با شایستگی هرچه بیشتر ایفاء کند. مبارزه قهرمانانه و گسترده شما در راه تحقق خواست های بحق تان برای حقوق و شرایط بهتر کاری، امنیت کاری، تامین اجتماعی، حقوق انسانی، و بر ضد سیاست های ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه»، که در قالب اعتصاب ها، تحصن ها و تظاهرات اعتراضی تجلی یافته است، نمایشگر این حقیقت است که، کارگران میهن ما، بر رغم همه مشکلات عینی و دشواری که با آن دست به گریبانند از گردان های اصلی جنبش کنونی خلق و ضامن ادامه و تعمیق آنند. مبارزه شما بخش مهمی از مبارزه سراسری مردم میهن ما در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و نیل به آزادی و دموکراسی است. شما امروز، بی هراس از داغ، درفش، غل و زنجیر و زندان، در این نبرد نا برابر با منادیان تاریکی و اسارت، دشمنان آزادی راه ستوه آورده اید. حرکت آگاهانه شما در راه ایجاد تشکل های مستقل صنفی و در عین حال، استفاده از همه اشکال و راه های گوناگون مبارزه، نشان دهنده درایت و پختگی تحسین برانگیز جنبش کارگری است. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، معتقد است که، طبقه کارگر کشورمان زمانی می تواند مهر و نشان خود را بر جنبش بر جای گذارد و در راه تعمیق آن گام های موثری بردارد، که بتواند دوش به دوش جنبش مردمی و در همکاری و همبستگی نزدیک با سایر گردان های جنبش خلق، از جمله دانشجویان و جوانان و زنان دلاور میهن، با شعارهای مشخص، ضمن مبارزه در راه خواست های صنفی خود، در راه توسعه سیاسی و تحمیل خواست های دموکراتیک جنبش به ارتجاع حاکم، نقش فعال تری را ایفاء کند.

کارگران مبارز!

مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» به مرحله حساسی رسیده است. ارتجاع حاکم، برای حفظ حاکمیت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، و جلوگیری از تعمیق و گسترش جنبش اصلاح طلبانه، سعی دارد که، با توسل به انواع و اقسام حيله ها و ترفند ها، اجازه ندهد که جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان ماهیت سیاسی عمیق تری پیدا کند و به شکل فعال تری در رویارویی های سیاسی روز بر ضد نیروهای مدافع ارتجاع و تاریک اندیشی شرکت کند. حزب توده ایران، معتقد است که، همان گونه که تجربه تاریخی معاصر کشور مان در جریان پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ نشان داد، جنبش کارگری و زحمتکشان میهن ما اساسی ترین و پیگیرترین نیروی تحول خواه در میهن ماست، که با سازمان یافتگی و تشکل هرچه بیشتر و با اتحاد و همبستگی با سایر گردان های خلق، قادر خواهد بود ارتجاع حاکم را با شکست روبه رو کند. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، شما را فرا می خواند تا با دفاع از مطالبات کلیدی جنبش آزادی خواهی و توسعه سیاسی، نقش تاریخی خود را در حیات کشور مان ایفا کنید.

مبارزان راه آزادی،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، با احترام به مبارزات شما بر ضد استبداد و تاریک اندیشی می نگردد و به آن ارج می گزارد. امروز صف وسیعی از آزادی خواهان، از مذهبی تا معتقدان به سوسیالیسم، خواهان پایان یافتن انحصار قدرت و استبداد، و حرکت جامعه ما به

سمت استقرار یک حکومت واقعاً مردمی و متکی بر آرای مردم اند. امروز، بر خلاف تبلیغ های دروغین «ولی فقیه» و انصارش، صف های ایجاد شده در جامعه نه میان «خودی و غیر خودی»، بلکه بین نیروهای مدافع استبداد و انبوه توده ها و نیز نیروهایی است که در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند. امروز زندان های رژیم «ولایت فقیه»، هم زندانبان زندانبان سیاسی دگراندیش، از جمله توده ای هاست و هم نیروهای مذهبی دگراندیش همچون کدیور ها و نوری ها را به بند اسارت کشیده است. در سیاه چال ها و شکنجه گاه های رژیم «ولایت» است که می توان مرزهای واقعی صف خلق و ضد خلق را مشاهده کرد.

مبارزان راه آزادی، نیروهای سیاسی، احزاب و سازمان های مدافع حکومت مردمی و دموکراسی،

میهن ما بر سر دو راهی حساس و سرنوشت سازی قرار گرفته است. دو راهی ادامه رژیم استبدادی و قرون وسطایی کنونی به قیمت سرکوب خونین و کشتار باز هم بیشتر آزادی خواهان، و یا حرکت به سمت اصلاحات، طرد رژیم «ولایت فقیه» به عنوان اساس حکومت استبدادی، و گشودن راه برای استقرار یک حکومت ائتلاف مردمی. جدایی نیروهای سیاسی آزادی خواه از یکدیگر، بی توجهی به نیاز مبرم جنبش برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری با برنامه سیاسی مشخص برای دگرگونی شیوه اداره امور کشور، و کم توجهی به نیاز هرچه بیشتر انسجام یافتن جنبش اصلاح طلبی، می تواند عواقب دردناک و فاجعه باری را برای میهن ما در پی داشته باشد. نباید اجازه داد که بار دیگر جنبش عظیم خلق از راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی منحرف و به کوره راه هایی برود که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ رفت. در این پیکار سرنوشت ساز، باید با الهام از آزمون های وحدت گرایانه توده های خلق که در حد اعلاى هوشیاری به نمایش گذارده شد، دوش به دوش و همگام هم، بدور از خود محور بینی ها، ابراز شهامت و شجاعت در پذیرش و تحمل یکدیگر، در یک صف متحد، به تلاش ها و مجاهدت های خویش برای شکست ارتجاع و استبداد ادامه دهیم. انتظار مردم از ما چنین است! به این انتظار باید پاسخ مثبت داده شود.

زنان مبارز و آزادی خواه ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن درود به شما مبارزان دلیر و خستگی ناپذیر جنبش، همبستگی خود را با شما که بر ضد ارتجاع و تاریک اندیشی مبارزه می کنید، اعلام می دارد. شما با پیکار حماسه آفرین خود، دیربست که ثابت کرده اید که در جنبش عظیم مردمی میهن ما از گردان های موثر و استوار آن هستید، و پیروزیهای بدست آمده مدیون مبارزات پیگیر شما در پیوند با سایر نیروهاست. با این همه، هنوز بندهای بردگی اعصار و قرون را بر پای خود دارید. هنوز تاریک اندیشان شما را شهروندانی درجه دو، که از بسیاری از حقوق انسانی و اجتماعی بی بهره اند بشمار می آورند. رژیم زن ستیز، با تصویب قوانینی ضد انسانی، از قبیل «جداسازی خدمات درمانی» یا «ممنوعیت استفاده ابزاری از زن»، درصدد انتقام از مبارزه و مقاومت دلیرانه شماست. اما شما زنان پیکارجو، مبارزان و کوشندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی، با شرکت در نبردی سرنوشت ساز با رژیم ولایت فقیه از پای نمی نشینید و مشعل شما در این مبارزه نه چندان آسان، تجارب غنی مبارزاتی است که جنبش زنان طی دهها سال اندوخته است.

زنان آزاده ایران!

شما با برپایی تشکلهای صنفی و مستقل خود، و با استفاده از اشکال متنوع مبارزه، و پیوند آن با مبارزات سایر نیروها نشان دادید که جنبش زنان می تواند نقش ارزنده و سرنوشت سازی را در تحولات کشور بر عهده داشته باشد. «نه» تاریخی شما، به همراه سایر توده ها در خرداد ۷۶ و پس از آن شرکت فعال شما در انتخابات شوراها، و بویژه شرکت میلیونی و حماسه ساز

ادامه پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب ...

شما در انتخابات اخیر مجلس، همه نشان از ارتش عظیم و رشد یابنده زنان دارد که مدتهاست به میدان آمده، و سنگرها را یکی پس از دیگری فتح می کند. و تا پیروزی نهایی که دستیابی به آزادی، برابری، صلح و عدالت اجتماعی و محو ستم جنسی است، می رزمند.

دانشجویان و جوانان آگاه و مبارز!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، بهترین دروذهای پیکارجویانه اعضا و هواداران خود را به شما جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه، تقدیم می کند.

حزب توده ایران، بار دیگر پشتیبانی خود را از مبارزه شما در شرایط دشوار سرکوب و اختناق اعلام می کند و هم گام و همراه با شما، در راه دست یابی به خواسته های انسانی و حقوق اساسی مردم، پیکار می کند. بخش مهمی از مباحثات پلنوم کمیته مرکزی حزب ما حول و حوش مطالبات و مبارزات جوانان و دانشجویان بود. حزب توده ایران، اعتقاد راسخ دارد که، مبارزه کنونی جوانان و دانشجویان از ارکان مهم جنبش مردمی است، و بدون شک این مبارزه در به جلو بردن پیکار عمومی مردم در سراسر کشور سهم مهمی خواهد داشت. در این مبارزات، شما تنها نیستید، کارگران، زحمتکشان، زنان و سایر قشرهای اجتماعی که اکنون سالیان درازی است، زیر سلطه استبداد و ارتجاع رنج می برند، با شما همراه هستند. حزب توده ایران و سازمان جوانان توده در کنار سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه در این مبارزه نابرابر یار و یاور شما هستند.

مبارزه جوانان و دانشجویان، که خود بخشی از مبارزه عمومی مردم بر ضد استبداد است، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. رشد مبارزه جوانان و دانشجویان و ارتقا کیفی آن، در ماه های اخیر، که در حرکت های اعتراضی و خصوصا اوج آن در قیام دانشجویی ۱۸ تیر در تهران، خود را نشان داده است، همچون خون تازه ای در رگ های جامعه است و نیروی تازه ای در پیکار قشرهای مختلف مردم ایران دمیده است. دانشجویان و جوانان هم چنان با هوشیاری تمام، ضمن عقیم گذاشتن توطئه های نیروهای سرکوبگر و انحصار طلب، در ایجاد زمینه های لازم برای سرکوب کردن و به خون کشیدن جنبش، برخواسته های خود برای کسب آزادی، در تمام عرصه ها، پافشاری کرده و می کنند. در جریان این اعتراضات، و متعاقب آن سرکوب دانشجویان کوی دانشگاه، از جانب نیروهای شبه نظامی و انتظامی، یک بار دیگر حد و مرز آزادی و حرمت انسانی در «آزادترین کشور جهان!» در معرض افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت. پیکار دانشجویان، یک بار دیگر، این واقعیت را اثبات کرد که، کوشش و تلاش جوانان در تحقق خواسته های سیاسی - صنفی خود، از سالیان گذشته هیچ گاه متوقف نشده است و هم چون آتش زیر خاکستر به حیات خود ادامه داده است. ما بر این باوریم که، مبارزه کنونی دانشجویان و جوانان، با بهره گیری از تجربه های پر بار پیکار دهه های گذشته همچون ۱۶ آذر، با شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی، و پیوند این شعار با خواسته های عمومی جنبش مردم، زمینه های رسیدن به آزادی را فراهم خواهد کرد.

زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، زندانیان سیاسی - و خانواده های شان، یعنی همراهان صبور و مشوق پایداری شان - را تجسم و نماد ایستادگی و پافشاری بر آرمان های عدالت خواهی و آزادی، و رهایی توده ها از جنگال پلید و خونین حکومت جهل و خرافه و انحصار ولی فقیه، و آموزگار ان پیگیری خواسته های بر حق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران، و کوشندگان جدی حقوق بغارت رفته و پایمال شده مردم، و آزادی در مهلکه افتاده میهن می دانند. پلنوم وسیع، دروذهای پرشور خود را نثار این مبارزان هستی بر کف دست نهاده می کند، که همچون شمع هایی شعله کش در تاریکی های خفقان و بی عدالتی دارو دسته اوباش رژیم ولایت فقیه، و در کینه گاه چرکین نیروهای جهل و انحصار و واپس گرایی و خشونت می

سوزند و روشنایی امید و حقیقت و زیبایی می پراکنند. و با همه این که تازیانه به دستهای چرکین و آلوده دارند و بر سر فرزندان عدالت جو و آزادی خواه میهن می تازند، بجز موجودات حقیر، و در خدمت امری حقیرتر، یعنی آزادی کشی، در تصور مردم نمی آیند.

ای فرزندان زندانی میهن! ای رزمندگان آزادی و عدالت و حقیقت! ای باری دهندگان توده های محروم در باز یافتن حقوق و شأن انسانی شان! شما گرامی ترین تعلق خاطر تان را، یعنی هستی، شادی، آرامش و زندگی طبیعی تان را فدا می کنید تا راه درخشان آینده آزاد را بکوید!

اگر چه در سلولهای تاریک و نمور، در زیر تازیانه و دژ رفتاری های پلشت قرار دارید، بی شک و همواره در خانه بزرگ و آفتابی دیگری، یعنی دل های روشن و تپنده مردم ما، جای دارید. پیروزی از آن شما، آزادی و آرمانهای مردمی خواهد بود.

نویسندگان، شاعران، هنرمندان، روشنفکران و روزنامه نگاران انسان دوست،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، با توجه و احترام عمیق به فعالیت های آفرینش گرانه، روشنگرانه و الهام بخش نویسندگان، شاعران، هنرمندان، روشنفکران و روزنامه نگاران انسان دوست، مردم دوست و آزادی خواه میهن ما، بر این باور است که، نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان و روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی، زبان گویای آرزوها و آرمان های حق طلبانه مردم میهن ما و روشنایی بخش مسیر جنبش مردمی ما، در این لحظات حساس تاریخی، به سوی قانون گرایی، عدالت جویی و آزادی خواهی، در تیرگی و تباهی حاکم واپس گرایی، خرافه پرستی، خشونت و انحصار طلبی اند. بی افکندن بنیان عدالت اجتماعی، آزادی عقیده و بیان، حقوق مسلم و طبیعی توده ها، که همواره پایمال شده، و خواست توده ها برای آزاد زیستن، آزاد گفتن و آزاد نوشتن، و تأمین امنیت فردی و اجتماعی، حق تشکل گرایی های گوناگون اجتماعی، سیاسی و عقیدتی، کارزار بی وقفه ساختاری بوده است که خشت به خشت از دوران بالیدن جنبش مشروطه، بیش از یک قرن همچنان ادامه دارد. ساروج این بنا، آمیخته بی است از خون هزاران تن از مردم گمنام و بنام ایران، از میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل، آقا خان کرمانی، کسروی، ارانی گرفته تا طبری، مهرگان، کیوان، پوبنده، مختاری و شریف و جز اینان خشت خشت این بنای همواره در معرض تاخت و تاز قدره بندان جهل و خشونت و انحصار طلبی، آمیزه ای است از اندیشه های انسان دوستانه گوناگون همه نویسندگان، شاعران، طنز پردازان، کاریکاتوریست ها، روزنامه نگاران، موسیقی سازان، فیلم سازان، صحنه چرخان های تئاتر و تمامی هنرمندانی که در آثار خود پیایی برای رهایی توده ها از انواع ستم ها، و خواست گسترش حقیقت و عدالت و زیبایی را داشته و دارند.

این برانگیزانندگان اراده توده های زحمت به باز پس گیری حقوق بغارت رفته شان، در قالب واژگان و انگاره های عمیق و لطیف، این بشارت دهندگان آینده بی ممکن بر فراز ویرانه های جهل و خرافه و واپس گرایی و خود کامگی و بر بنیان استوار آزادی، عدالت اجتماعی، امنیت و اعتلای شخصیت و شرف انسانی، و در قالب تصاویر معنوی و واقعی، در قالب مقالات و مباحثات آگاهی بخش، در ترنم ترانه ها و رنگها، بیشتر از یک قرن است که در تلاش والا و انسان گرایانه خود، رنج می برند، پیکار می کنند، به زیر شکنجه می روند، روده می شوند، خفه می شوند، گلوله می خورند، در سیاهچال ها می پوسند، روزنامه های شان تعطیل می شوند، گرسنگی و پریشانی می کشند، در بیداد گاه های انقلاب، عمومی، ویژه و مطبوعات، به دلیل ابراز عقیده، اطلاع رسانی، و آرزوی بهروزی مردم محاکمه می شوند. این داستان تلخ و غم انگیز، نه تنها اینک در میهن ما بر لبها جاری است، بلکه از نظر زمانی فراتر از قرن می رود. افشاگران خود کامگی، روشنگران حقیقت مردم و به تصویر کشندگان زیبایی های هستی، از سوی خود کامگان، جاهلان و بی حقیقت

ادامه مجلس ششم و انتظارات ...

و همچنین آراء پایین کسانی همچون کربوبی و محتشمی، به عنوان بخشی از روحانیت که نقش مهمی در اوضاع و احوال فاجعه بار کنونی داشته اند، اگر چه امروز خود را در جبهه دوم خرداد جای داده اند، نشان داد که، مردم حتی در اعتراض خود نیز هوشیارانه و بسیار دقیق عمل کرده اند. کاهش شمار روحانیون در مجلس ششم به ۳۳ نفر، یعنی پایین ترین تعداد از آغاز انقلاب تاکنون، نمونه دیگری از قضاوت تاریخی مردم ما در باره عملکرد حاکمیت روحانیت بر میهن ما، و ثمرات فاجعه بار آن در بیست سال گذشته است.

مجلس ششم، در اوضاع بسیار حساسی کار خود را آغاز می کند. مجلس، محل قانون گذاری کشور است، و امکان آن را دارد که با برداشتن گام های مهم بسیاری از مصوبه های ارتجاعی و ضد مردمی مجلس پنجم و چهارم را به نفع حقوق مردم اصلاح کند و راه را برای برداشتن گام های دیگری در راه احقاق حقوق پایمال شده مردم بگشاید. همان طور که آخرین نشست وسیع کمیته مرکزی حزب ما نیز اعلام کرد، اکثریت عظیم توده های کار و زحمت در میهن ما، از مجلس ششم انتظار دارند تا حداقل اجرای برنامه های زیر را در صدر کارهای خود قرار دهد:

ف- لغو قانون ضد کارگری خارج کردن کارگاه های کوچک (تا ۵ کارگر) از شمول قانون کار؛

ب- لغو قانون جدا سازی خدمات پزشکی بر اساس جنسیت، و سایر لوایح ضد حقوق زنان، همچون استفاده تصویری، و حقوق مدنی، از جمله حق طلاق، حق حضانت از فرزند، و جز اینها؛

پ- لغو، و بازبینی طرح ضد دموکراتیک مطبوعات، که به قصد خفه کردن صدای مخالف مطبوعات تهیه و تنظیم شده است؛

ت- لغو طرح ضد دموکراتیک و ضد انسانی تعزیرات اسلامی؛

ج- دفاع از ایجاد نهاد نگهبانی برای رعایت حقوق بشر در ایران، که مستقل از قوه قضائیه و سایر نهادهای دولتی بتواند بر اعمال گروه های سرکوبگر نظارت داشته باشد؛

چ- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان، به عنوان یکی از موانع اساسی امکان برگزاری انتخابات آزاد و مردمی در میهن ما؛

برآورده شدن این انتظارات، ارتباط مستقیم با ادامه و تشدید مبارزه توده ها در پایین دارد. از هم اکنون روشن است که، رژیم «ولایت فقیه» مترصد است با استفاده از همه امکانات «قانونی» خود، از جمله اختیارات نامحدود «ولی فقیه»، شورای نگهبان ارتجاعی، و مجمع تشخیص مصلحت، جلو هرگونه حرکت اصلاح طلبانه یی از سوی مجلس ششم را سد کند. جریان طولانی شدن تأیید انتخابات مجلس ششم از سوی شورای نگهبان، و تقلبات آشکار این شورا بر خلاف همه موازین اخلاقی و قانونی، نشان داد که شورای نگهبان مصمم است با استفاده از همه اهرم ها و شیوه ها، نقش خود را در پاسداری از حکومت استبدادی حاکم مصرانه دنبال کند.

خطر دیگر، تزلزل، ناپیگیری و مماشات بخش هایی از نیروهای جبهه دوم خرداد، و معامله برای «حفظ نظام» در مقابل خواست ها و آرمان های مردم است. علایم نگران کننده اولیه در این زمینه، رایزنی ها برای انتخاب رئیس مجلس، و سخن از انتخاب کربوبی به این سمت است. این در حالی است که بخش های وسیعی از مردم پایتخت، بررغم آنکه او در لیست نامزدهای جبهه دوم خرداد قرار داشت، به دلیل عملکردهای او در گذشته، از جمله در مقام ریاست مجلس، حاضر نشدند به او رأی بدهند. سخن گفتن از ریاست مجلس توسط یک «روحانی»، نیز بخش های دیگری از همین تزلزل ها و مماشات کردن های خطرناک است که باید با هوشیاری و آگاهی کامل با آنها مقابله کرد. به هرصورت، مجلس ششم و نمایندگان انتخاب شده برای آن، در مقابل یک آزمون تاریخی و دشوار قرار دارند. حرکت به سمت اجرای خواست های مردم بی شک می تواند نقش این مجلس در تحولات تاریخی آینده میهن ما را برجسته و مهم سازد، و برعکس آن حرکت به سمت مماشات و سازش با مرتجعان حاکم، مجلس ششم را نیز، همچون مجلس گذشته، به سرنوشت مشابیه طعن و لعن مردم، گرفتار خواهد کرد. حزب ما همچنان اعتقاد عمیق دارد که، باید با سازمان دهی و انسجام بخشیدن به نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش، یعنی کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان پیکار جوی میهن ما، راه تحولات آینده را گشود. تنها یک جنبش نیرومند مردمی است که می تواند تضمین کننده ادامه روند اصلاحات در میهن ما باشد. در این راه باید همه امکانات را بسیج کرد.

ادامه پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب

ها و پاسداران تباهی و پلشتی و نکبت، به زیر تازیانه های تهمت و ناسزا برده می شوند و از امثال قائد عظیم الشان جهل و خرافه و انحصار، «قلم بدستان مزدور» و «عامل بیگانه» مهر و نشان می خورند. هر نحله فکری و فلسفی و اجتماعی، از مارکسیست ها و غیر مارکسیست ها، ملیون و مذهبیون، هرگونه ژورنالیسم و اطلاع رسانی، نویسندگی و شعر و شاعری و هنر پردازی که ژرف بینی و ژرف اندیشی، روسوی سعادت مردم و زحمتکشان داشته باشد، به زیر ماشین جهنمی افترا و برچسب و تهمت زنی رانده می شود.

نویسندگان و شاعران! هنرمندان و روشننگران! روزنامه نگاران مبارز میهن ما، نفس گرم مردم و توده های زحمت که از کانون آتشین زجر و ناکامی قرونی آنان بر می خیزد، همراه با انسانی ترین آرزوها و خواست هایشان، که خود شما در بر انگیزختن و اعتلای آنها سهم بزرگی داشته اید، توشه راهتان باد! تا آن گاه که مرغ سحری خوان که اینک بر بام مردم نشست است، همچنان سرود ستایش آزادی، حقیقت و عدالت را برساند.

رفقای رزمنده توده ای،

پلنوم وسیع کمیته مرکزی توده ایران گرم ترین دروهای رفیقانه را به شما، که در شرایط دشوار اختناق حاکم همچنان پرچم پر افتخار حزب ارانی و روزبه را در اهتزاز نگاه داشته اید، تقدیم می دارد.

تحولات پس از دوم خرداد به این سو و بویژه روند پر شتاب حادث در طی چند ماه اخیر، وظایف نوین و خطیری را بر دوش تک تک ما، خصوصاً رفقای داخل کشور قرار داده است.

پلنوم وسیع، با جمع بندی رخدادهای اخیر، و تعیین وظایف مبرم در لحظه حاضر، بار دیگر بر ضرورت سازماندهی جنبش مستقل مردمی، تأکید کرد و همه رفقای حزبی را به تلاش خستگی ناپذیر در راه سازماندهی جنبش کارگری جنبش جوانان، روشنفکران و دانشجویان و نیز جنبش نیرومند زنان فرا می خواند. اوضاع متحول کنونی، حد اعتلای هوشیاری، انضباط و خلاقیت را می طلبد، کوشش در راه تشکیل جبهه واحدی از نیروهای مخالف استبداد و ارتجاع، به عنوان شرط ضرور نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه کماکان از الویتهای غیر قابل چشم پوشی در مبارزه ما توده ای ها به شمار می آید. بعلاوه در این شرایط حساس، استفاده از همه امکانات و راه های موجود، برای طرح گسترده نظرات حزب در میان توده ها، و به ویژه طبقه کارگر، اهمیت فوق العاده دارد. با صفوفی فشرده در زیر پرچم حزب پر افتخار مان، در راه طرد رژیم ولایت فقیه پیکار کنیم.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران بر ضد رژیم استبدادی حاکم!

با هم، در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

سومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

بررسی رویدادها ی جهان

مبائنه در پیروزی ناتو در یوگوسلاوی

بر اساس گزارش منتشر نشده بی از گزارش های ارتش آمریکا، که توسط روزنامه «نیوزویک» افشا شده است، هواپیما های ناتو در بمبارانهای به اصطلاح «دقیق» خود بر ضد آماج های نظامی در یوگوسلاوی، نتوانسته اند به بسیاری از اهداف خود دست یابند، و به جای آنها، مدل های ساخته شده از تانک ها و موشک ها را مورد هدف قرار داده اند.

این گزارش، به وسیله ۳۰ کارشناس ناتو و نیروی هوایی ایالات متحده، بلافاصله پس از پایان جنگ و با حضور مستقیم در محل، تهیه شده است، و نشان می دهد که برخلاف ادعای ناتو مبنی بر انهدام ۱۲۰ تانک، تنها ۱۴ تانک مورد اصابت قرار گرفته اند، و از خودروهای زرهی نیز، که قبلاً ۲۲۰ عدد اعلام شده بود، ۱۸ عدد منهدم شده اند. تعداد انبارهای اسلحه نیز که ۴۵۰ محل اعلام شده بود، چیزی قریب به ۲۰ عدد بوده اند.

در اواسط ماه آوریل، ژنرال ارتش یوگوسلاوی، «پاوکوویک»، اعلام کرده بود که، خلاف ادعاهای ناتو، ارتش یوگوسلاوی فقط ۱۳ تانک از دست داده است. بنا به گزارش نیوزویک، برای بمباران های دقیق، هواپیماها می بایست در ارتفاع پایین و با سرعت کم پرواز بکنند، که طبیعتاً خلبان ها حاضر نشده اند چنین خطری را بپذیرند. آنچه که سبب شد تا یوگوسلاوی نیروهای خود را از کوسوو عقب بکشد و به «مذاکرات صلح» تن در دهد، بمباران های ناتو بر ضد نیروهای زمینی یوگوسلاوی نبود، بلکه بمباران هایی بود که بر سر افراد غیر نظامی صورت گرفت و باعث کشته و زخمی شدن بسیاری شد.

دستور اتحادیه اروپا برای خصوصی سازی در بالکان

«بودوهامباخ» مسئول هماهنگی برنامه های «ثبات در بالکان» در مصاحبه بی پیش از تشکیل کنفرانس ژاپن تحت نام «ثبات در بالکان»، خواستار خصوصی سازی بیشتر در بالکان شد، و آن را پیش شرط اهدا کمک های اتحادیه اروپا به این کشورها خواند، در حالیکه کمک به یوگوسلاوی را مشروط به برکناری رییس جمهوری این کشور «میلوسویچ»، دانست. او در این مورد گفت «تا زمانی که رییس جمهور از کار برکنار نشده است، کمک به سرپرستان همچنان در حالت تعلیق باقی خواهد ماند ...

تا زمانی که این امر عملی نشده است، کمک های اهدایی به دست نیروهای «دموکراتیک» خواهد رسید.

در جریان همین کنفرانس، وزیر امور خارجه ژاپن نیز گفت که، نتایج این کنفرانس در ماه جولای در جلسه کشورهای موسوم به «گروه-۸»، هشت کشور بزرگ صنعتی جهان، منعکس خواهد شد. این جلسه که از طرف ژاپن درخواست شده است، امیدوار است که کشورهای منطقه را به یکدیگر نزدیک کند. در جلسه ماه ژوئیه علاوه بر کشورهای «گ-۸»، کشورهای بالکان از جمله، کرواسی، بلغارستان و بوسنی نیز حضور خواهند داشت.

اقیانوس آرام

گروه محیط زیست، وابسته به جنبش سبزها، از تمامی کشورهای حوزه اقیانوس آرام خواست تا با تصمیم آمریکا مبنی بر انبار ضایعات شیمیایی بنام «پی-سی-بی» در اقیانوس آرام دست به اعتراض زنند. «پی-سی-بی» ماده سمی خطرناکی است که بسرعت می تواند محیط اطراف خود را آلوده سازد، و «پی-سی-بی» موجود حاصل استفاده از مواد شیمیایی در پایگاه نظامی آمریکا در ژاپن است. طبق اطلاعات منتشره از سوی طرفداران جنبش سبزها در منطقه، قرار بود این مواد در آبهای نزدیک آمریکا، کانادا و یا گوام انبار شود، که با مخالفت این کشورها روبه رو شد. از این رو ایالات متحده تصمیم دارد این ضایعات را در جزیره «روک»، که در مرکز اقیانوس آرام است، انبار کند.

سخنگوی گروه محیط زیست «سامانتا ماجیک» در این مورد گفت: «جزیره روک مقر موشک های دور برد ارتش آمریکا است و به عنوان یکی از مستعمرات آمریکا محسوب می شود، اما بررغم آن این جزیره از حمایت های عادی و معمولی، که مناطق دیگر از آن برخوردارند، محروم است... ایالات متحده باید در قبال تخریب محیط زیست و سوء استفاده آن برای دفع ضایعات صنعتی خود، احساس مسئولیت کند.»

افزایش اختیارات «پوتین»

«ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه با صدور حکمی جدید، بر اختیارات خود می افزاید. طبق این حکم جدید، «پوتین» کنترل هفت منطقه مرکزی روسیه را، که از طریق نمایندگان ریاست جمهوری اداره می شوند، مستقیماً در اختیار خواهد گرفت.

حکم فوق دو هفته پیش به تمامی مناطق ابلاغ شد، و در آن چگونگی تطبیق شرایط این مناطق با دستورات جدید نیز توضیح داده شده است. روسیه، در حال حاضر، به ۸۹ منطقه فدرالی تقسیم شده است، که ۲۱ منطقه آن را مناطق قومی و نژادی تشکیل می دهند و بوسیله روسای جمهوری خود آنها اداره می شوند. پس از فرو پاشی اتحاد شوروی، کشمکش ها و اختلاف نظرهایی فراوانی بین مناطق فدرالی و حکومت مرکزی به وجود آمد که برخی از این کشمکش ها منجر به تفویض اختیارات بیشتر به این مناطق شد، و برخی دیگر نیز، مانند «چچن»، به درگیری های خونین انجامید. چنین روندی از اختلاف ها، به نظر بسیاری، خطر از هم پاشیدگی فدراسیون روسیه را به همراه داشت، و از اینرو، ابلاغ چنین حکمی را قدمی در راه انسجام بیشتر فدراسیون روسیه خوانده اند. از سوی دیگر، اختیارات جدید امکان بیشتری را برای پوتین فراهم می کند تا بتواند روند خصوصی سازی را، که از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تجویز شده هر چه بیشتر تسریع کند. لازم به تذکر است که تسریع روند خصوصی سازی پیش شرط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای پرداخت وام های جدید به روسیه است.

جنگ خلیج فارس و جنایات آمریکا

روزنامه «نیویورک»، در آخرین شماره خود، طی گزارشی افشا کرده است که، چگونه سربازان آمریکایی در جریان جنگ خلیج فارس، اسرای عراقی، مجروحان جنگی و افراد غیر نظامی را تیر باران کرده اند. بنا به این گزارش، در روز ۲۷ فوریه سال ۱۹۹۱، سربازان آمریکایی به ریاست ژنرال «مک کفریس»، بیش از ۳۸۲ اسیر عراقی را که کاملاً خلع سلاح شده بودند، به رگبار گلوله بستند.

بخشی از این افراد با اتوبوس حامل زخمی های جنگ به منطقه منتقل شده بودند و با نشان دادن پرچم ها و ملحفه های سفید، خود را به نیروهای آمریکایی تسلیم کرده بودند. اینکه در این کشتار جمعی چند نفر کشته و زخمی شده اند، آمار دقیقی در دست نیست. روز بعد (۲۸ فوریه)، سربازان آمریکایی، در یک مدرسه، تعدادی اسلحه یافتند که نتوانستند آنها را به کسی ربط دهند. پس از مدتی، قریب ۱۵ تا ۲۰ نفر را در نزدیک مدرسه پیدا کردند که لباس های غیر نظامی داشتند و همه آنها را به گلوله بستند. در روز ۲ مارس، روز قبل از مذاکرات «صلح»، نیز سربازان آمریکایی و دوباره تحت نظر ژنرال «کفریس»، اعلام کردند که مورد حمله قرار گرفته اند و مجبور به دفاع از خود شده اند، «دفاعی» که نتیجه آن بزرگترین فاجعه جنگ خلیج فارس بود. فاجعه بی که در جریان آن و طی مدت زمانی کوتاه هزاران سرباز عراقی، که در حال فرار از منطقه بودند کشته شدند و بیش از ۷۰۰ تانک، خودرو زرهی و کامیون منهدم شدند. ژنرال «مک کفریس» که رییس عملیات منطقه بود، از مورد اعتماد ترین افراد کاخ سفید است، و در حال حاضر نیز مسئول ویژه دولت برای مبارزه با مواد مخدر است. او از تفسیر خبر منتشر شده در روزنامه خودداری کرد.

پیروزی اعتصاب کنندگان در نروژ

اعتصاب بزرگ در نروژ، که دوهفته پیش آغاز شده بود، با بازگشت ۸۴۶۰۰ عضو سندیکای سراسری نروژ، به کار، پایان یافت. سندیکای سراسری نروژ این اعتصاب را یک پیروزی کامل خواند در حالی که کارفرماها آن را قراردادی گران و سنگین خواندند. کارشناسان اقتصادی نروژ، قبل از شروع مذاکرات، افزایش دستمزدها را تا ۳/۶ درصد، معقول می دانستند، در حالی که قرارداد جدید چیزی برابر با ۴/۶ درصد است. قبل از به اجرا در آمدن قرار داد جدید، قرار است مفاد آن برای رای گیری در اختیار تمامی اعضای سندیکا قرار داده شود و آن چه که شواهد نشان می دهد، اعضای سندیکا از این قرارداد پشتیبانی خواهند کرد. طبق این قرارداد، که برای مدت ۲ سال است، در سال اول ۱/۵ کرون (واحد پول نروژ) و در سال دوم نیز یک کرون در ساعت، به دستمزدها افزوده خواهد شد. افرادی که دستمزدهای نازلتری دارند، هم در سال اول و هم در سال دوم، ۳/۵ کرون در ساعت افزایش دستمزد دریافت خواهند داشت. همچنین تا پایان سال ۲۰۰۲، قانون ۵ هفته مرخصی با حقوق به اجرا گذاشته خواهد شد. در ضمن شرایط لازم برای تحصیل و ادامه تحصیل نیز مهیا خواهد شد.

ادامه قطننامه پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب ...

دانشجویان کشور، و رادیکالیزه کردن تشکل های رسمی و موجود دانشجویی؛
۶. تشدید فعالیت، و ایجاد نیرو در جامعه، برای رسیدگی مستقل به جنایات سیاسی رژیم «ولایت فقیه» در سال های اخیر، خصوصاً فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷، قتل های زنجیره ای، ترور دگراندیشان در خارج از کشور، و در مجموع، نقش و عملکرد ضد ملی و ضد مردمی ارگان های سرکوبگر همچون سپاه پاسداران، بسیج و وزارت اطلاعات؛
۷. دفاع فعال از حقوق برحق ملی خلق های تحت ستم ایران، در چارچوب ایرانی واحد، مستقل و آزاد؛

۸. تشدید فعالیت در زمینه افشای نقش مخرب و ارتجاعی نهادهایی همچون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، و بسیج نیرو در راه تحدید حدود و اختیارات این نهادها؛
۹. مبارزه بر ضد سیاست های مخرب اقتصادی «تعدیل اقتصادی» مندرج در برنامه سوم، و طرح های ارائه شده در بودجه، که در تضاد آشکار با منافع ملی قرار دارد، و به تشدید بیکاری، فقر و محرومیت بخش های وسیعی از جامعه ما منجر شده است. ما در این زمینه همچنان معتقدیم که، سمت و سوی سیاست اقتصادی کشور، از دفاع از منافع کلان سرمایه داری باید به سمت دفاع از منافع زحمت کشان تغییر پیدا کند. در این عرصه، ما همچنین به برنامه ریزی متمرکز اقتصادی برای حمایت و افزایش تولید داخلی، تغییرات بنیادین در سیاست های مالیاتی، و تنظیم قوانین ویژه ای برای استفاده از هزاران میلیارد نقدینگی موجود در دست بخش خصوصی، و برنامه ریزی برای تغییر بنیادین در اوضاع کشاورزی کشور معتقدیم؛

۱۰. تشدید فشار مردمی بر اکثریت تازه مجلس ششم، که عمدتاً از میان نیروهای جبهه ائتلافی دوم خرداد هستند برای ایجاد تغییرات قانونی وسیع در عرصه های زیر:

الف- لغو قانون ضد کارگری خارج کردن کارگاه های کوچک (تا ۵ کارگر) از شمول قانون کار؛
ب- لغو قانون جدا سازی خدمات پزشکی بر اساس جنسیت، و سایر لوایح ضد حقوق زنان، همچون استفاده تصویری و حقوق مدنی، از جمله حق طلاق، حق حضانت از فرزند و جز اینها؛
پ- لغو و بازبینی طرح ضد دموکراتیک مطبوعات، که به قصد خفه کردن صدای مخالفت مطبوعات تهیه و تنظیم شده است؛

ت- لغو طرح ضد دموکراتیک و ضد انسانی تعزیرات اسلامی؛
ج- دفاع از ایجاد نهاد نگهبانی برای رعایت حقوق بشر در ایران، که مستقل از قوه قضائیه و سایر نهادهای دولتی بتواند بر اعمال گروه های سرکوبگر نظارت داشته باشد؛
چ- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان، به عنوان یکی از موانع اساسی امکان برگزاری انتخابات آزاد و مردمی در میهن ما؛
۱۱. استفاده از همه راه ها و امکانات موجود، برای طرح وسیع نظرات حزب، چه مستقیم، و چه غیر مستقیم در میان توده ها.

• توده های میلیونی خلق، طی مبارزه پرنج و بغرنج سال های اخیر، تجربیات ذقیمتی را در کوره مبارزه آموخته اند، و نشان داده اند که با هوشیاری تحسین برانگیزی قادرند با استفاده از امکانات و راه های ممکن، به مقابله با توطئه های ارتجاع حاکم برخیزند. با توجه به این نکته، که ارتجاع حاکم در پی آنست تا با ایجاد تحریکات و اغتشاشات جامعه را به سمت خشونت و خونریزی سوق دهد، حزب ما معتقد است که، جنبش مردمی باید با تمام توان و بدون دست زدن به حرکات حساب نشده و عصبی، و با انسجام هرچه بیشتر صفوف خود، در مقابل توطئه های رژیم ایستادگی و مقاومت کند. بدیهی است که، با توجه به روند تحولات، می توان و می باید از همه اشکال ممکن مبارزه، همچون تحصن، اعتراض، گردهم آیی و اعتصاب، برای مقابله با ترفندهای ارتجاع استفاده کرد.

جنبش توده ای، برای انسجام یافتن، سازمان یافتگی و فایق آمدن بر ضعف روبنایی خود، یعنی رهبری ضعیف و ناپیگیری، محتاج زمان است، و از این رو، باید حداکثر تلاش خود را در جهت حفظ روند تدریجی اصلاحات به کار گیرد. حزب توده ایران، در کنار سایر نیروهای مترقی، آزادی خواه و اصلاح طلب جامعه، نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، از جمله کارگران، زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان را به همبستگی هرچه بیشتر و اتحاد عمل نزدیک، فرا می خواند. جنبش مردمی این توان را دارد که با توطئه های رژیم «ولایت فقیه» مقابله کند، ولی در عین حال، نباید و نمی تواند نسبت به خطرات جدی بی که از سوی ارتجاع تهدیدش می کند، بی توجه باشد.

سومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره حزب کمونیست دانمارک

چهارمین کنگره حزب کمونیست دانمارک، در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ ماه مه، در کپنهاگ، برگزار شد. محور اصلی مباحث این کنگره از جمله بررسی برنامه و اساسنامه نوین حزب بود، که می باید پاسخگوی شرایط جدید مبارزه در این کشور باشد. طی سه روز نمایندگان سازمان های حزبی، از سراسر دانمارک، پیرامون این مباحث گفتگو و تبادل نظر کردند و سپس برنامه و اساسنامه نوین حزب را به تصویب رساندند. مبارزه بر ضد گردش به راست دانمارک در مبارزه با نو لیبرالیسم، تجهیز و سازمان دهی کارگران و زحمتکشان در مقابله با قدرت سرمایه در اتحادیه اروپا، و نیز مبارزه پیگیر بر ضد جهانی شدن، و پیمان تجاوزکارانه ناتو، چارچوب کلی فعالیت کمونیست های دانمارک است، که در چهارمین کنگره این حزب به تصویب رسید.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله مهمانان خارجی این کنگره بود. هیئت نمایندگی حزب، در این کنگره، با هیئت های نمایندگی احزاب برادر از جمله حزب مترقی زحمتکشان قبرس-آکل، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست نروژ، حزب کمونیست آلمان و حزب آزادی و همبستگی ترکیه بحث و تبادل نظر کرد و نمایندگان احزاب برادر را در جریان آخرین تحولات میهن مان قرار داد.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به چهارمین کنگره حزب کمونیست دانمارک، با استقبال پرشور نمایندگان حاضر در کنگره روبه روشد. پس از قرائت پیام کمیته مرکزی حزب ما به کنگره، رفیق اینگه سوپورگ، عضو هیئت رئیسه کنگره، ضمن تشکر از پیام حزب ما، خطاب به نمایندگان کنگره، گفت: «حزب توده ایران از جمله احزاب شناخته شده جنبش کمونیستی و کارگری است که از احترام عمیق کمونیست های جهان برخوردار است. حزب توده ایران از جمله احزاب نادری است که از دوران های دشوار بویژه دوران دردناک و سخت ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، سربلند بیرون آمده است، و به مارکسیسم-لنینیسم وفادار مانده است. حزب توده ایران نمونه ارزنده بی است برای کمونیست ها، و ما امیدواریم سرمشق کمونیست های دانمارکی نیز قرار بگیرد.»

کنگره چهارم حزب کمونیست دانمارک، روز ۲۱ ماه مه، با موفقیت به کار خود پایان داد.

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق طبری ۱۵۰ مارک
به مناسبت سالگرد حزب از کانادا ۱۰۰ دلار
به مناسبت اول ماه مه رفقا از برلین ۴۰۰ مارک
صادق از سوئد ۲۷۰۰ کرون

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:584

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

30 May 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک